

نهج البلاغه تجلی

در کتاب فارسی سوم

علی خوشه‌چرخ آرانی،

دبیر آموزش و پرورش آران و بیدگل

فاطمه توحیدیان،

دبیر آموزش و پرورش آران و بیدگل

چکیده

در نظام آموزشی ایران اسلامی، زبان و ادبیات فارسی جایگاهی رفیع و والا دارد؛ زیرا از یک سو حافظ و پاسدار میراث فرهنگ و ادب و پیشینه ارزشمند سرزمین ما و معرف چینیستی و کیستی ملت فرزانه و فرهیخته ما در درازنای تاریخ و از دیگر سو مناسب‌ترین ابزار انتقال فرهنگ و معارف الهی، اسلامی، دینی و ملی ما از نسل‌های گذشته به نسل‌های آینده است.

از دیگر سو، نهج‌البلاغه امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب (ع)، تأثیری عمیق بر فرهنگ و ادب عربی و فارسی گذاشته و شاعرانی همچون رودکی و فردوسی قبل از جمع‌آوری نهج‌البلاغه (حدود سال ۴۰۰ ه. ق) نیز از سخنان مولای متقیان که در جهان اسلام شایع و ساری بوده است، متأثر شده‌اند؛ این کتاب علاوه بر لطایف عرفانی، لبریز از پندها و نصیحت‌هایی است که درهای هدایت را به‌روی هدایت‌جویان می‌گشاید.

با عنایت به موارد پیش‌گفته، در این مقاله با محور قرار دادن آموزه‌های اخلاقی، بعضی از مطابقت‌های مفهومی، مضمونی و لفظی نهج‌البلاغه با متن دروس کتاب فارسی ۳ بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، کتاب فارسی، مفاهیم و مضامین

مقدمه

ادبیات گران‌قدر فارسی که رمز ماندگاری

مطابقت‌های مفهومی، لفظی و معنایی متون درسی فارسی ۳ با احادیث گران‌قدر نهج‌البلاغه اشاره شود.

متن

کتاب فارسی سوم براساس سنتی دیرین و منطبق با معیارهای اخلاقی و مطابق با الگوهای کلامی امام علی (ع) با یک ستایش و به‌اصطلاح «تحمیدیه» شروع می‌شود که بسیاری از اوصاف خداوند بی‌همتا و ستایش او را در بر می‌گیرد. براین اساس، در بخش ستایش ابیاتی از شاعر شوریده‌غزنه، ابوالمجد مجدودبن آدم سنایی، آمده که بسیاری از آن‌ها به سبب روی‌آوری او به زهد و حکمت و مضامین اخلاقی و پندآموزی با سخنان و کلام وزین امیر بیان، حضرت علی (ع)، همخوان است. ضمن اینکه در بسیاری از ابیات، عشق و ارادت و دلباختگی سنایی به اهل بیت - علیهم‌السلام - را می‌توان پیدا کرد.

در بیت نخست، ستایش

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی

نروم جز به همان ره که توام راه نمایی

با حدیث «انه لا یضل من هده» (خطبه ۲

نهج‌البلاغه/ آن کس را که خدا هدایت کند

هیچ‌گاه گمراه نمی‌شود)

از جهت هدایتگری ارزشمند الهی مطابقت

مفهومی دارد.

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نکتجی



آن، محتوای انسانی، ارزشی و اخلاقی است، در شرح و بیان شخصیت والای امیرالمؤمنین و اثبات حقانیت وی سرافراز و سربلند است و شاعران و نویسندگان و ادیبان فارسی‌گوی از سخنان شیوا و نشئت یافته از فیض الهی مولای متقیان (ع)، پیش از سخنان دیگران بهره برده‌اند؛ زیرا یقین قلبی و ایمان درونی داشته‌اند که نهج‌البلاغه کتاب جویندگان و پویندگان طریق کمال و مفسر کلام پروردگار است. از دیگر سو، کتاب‌های فارسی از کتاب‌های مهم و فرهنگ‌ساز در میان کتب درسی اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا ضامن پاسداشت زبان و فرهنگ و هویت ملی و دینی و قرآنی ماست.

متون درسی علاوه بر آموزش، عشق و ارادت خالقان آثار ادبی به کتاب نهج‌البلاغه و اثرپذیری آنان از این اثر ارزشمند را به دانش‌آموزان یادآوری می‌کند. در این گفتار تلاش بر آن است که به پاره‌ای از

نتوان شبه تو جستن که تو در وهم نیایی و حدیث «الله تعالی لا یدرک بالوهم و لا یقدر بالفهم» (خطبه ۱۸۳ نهج البلاغه/ در تیررس «قوة واهمه» قرار ندارد و «قوة فهم» نیز اندازه‌های برای ذات او متصور نیست) بر یک مفهوم مشترک دلالت دارند. از دیدگاه سنایی، خداوند دانای همه غیب‌ها، ستار العیوب و نگه‌دارنده عیوب بندگان خویش است و به فرموده حضرت سعدی، «پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد».

بیت

همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی
همه بیشی تو بگاهی، همه کمی تو فزایی
با حدیث «کل سر عندک علانیه و کل غیب عندک شهادة» (خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه/ خدا یا، هر نهفته‌ای در پیش تو آشکار و هر پنهانی در پیش تو پیداست» مفهوم و مضمون مشترک دارد.

درس یکم با عنوان «شکر نعمت» با سخنان زیبای سعدی، فرمانروای ملک سخن و خداوندگار نظم و نثر فارسی، آن هم در گلستان، کتاب شاهکار فصاحت و بلاغت شروع شده است. ابتکار شگرف و شیوه بی‌همتای سعدی و اسلوب سهل و ممتنع او در تنظیم گلستان باعث شده است که بسیاری از علاقه‌مندان شعر و ادب فارسی در ایران و جهان بندهای نخستین آن را از برکنند.

همان‌گونه که در آغاز کلام گفته شد، براساس سنتی دیرین، گلستان هم با حمد و ثنای الهی آغاز شده است. عبارت «منت خدای را عزّ و جل که طاعتش موجب قربت است...» در بیان اهمیت شکر و سپاسگزاری از درگاه الهی با حدیث «و ان لکم عند کل طاعة عونا من الله سبحانه» خطبه ۲۱۴ نهج البلاغه (بدون تردید در مقابل هر طاعتی که انجام می‌پذیرد، از سوی خداوند سبحان عنایت و لطفی منظور می‌گردد) امام علی (ع) در یک راستای مفهومی قرار می‌گیرد.

سعدی حاصل تجربه‌های دلپذیر و رنگارنگ خویش را در قالب جملاتی کوتاه، و به هم فشرده، که امروزه اغلب به‌صورت «ضرب‌المثل» در میان عموم رایج شده‌اند، به دور از هر گونه تصنع و جهت‌یابی خاص و با هدف ساختن انسان و جامعه آرمانی و

انسانی، در اختیار مخاطب قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که مثلاً عبارت «به شکراندرش مزید نعمت» سعدی با سخنان «و من اعطی الشکر لم یحرم الزیاده» (حکمت ۶۸ نهج البلاغه/ کسی که به شکرگزاری توفیق یافت، از فزونی نعمت‌ها محروم نگشت) و «و من شکره جزاء» (خطبه ۹۰ نهج البلاغه/ کسی که خدا را شکر گوید پاداش نیکو به او داده می‌شود) در ذکر اهمیت شکر الهی هم مفهوم و هم مضمون است.

**در کلام حضرت امیر (ع)
و نیز سخنان سعدی،
گسترده‌گی خوان الهی
و ناشمارگی نعمات را
می‌توان مشاهده کرد؛
مثلاً آنجا که عبارت
«خوان نعمت بی‌دریغش
همه جا کشیده» با
حدیث «نحمده علی
عظیم احسانه و نیر
برهانه و نوامی فضله»
(خطبه ۲۸۱ نهج البلاغه/
و خداوند را برای احسان
چشم‌گیرش، برهان
واضحش و وفور فضل
و کرم او می‌ستاییم)
دارای مفهوم و مضمون
یکسانی است**

در کلام حضرت امیر (ع) و نیز سخنان سعدی، گسترده‌گی خوان الهی و ناشمارگی نعمات را می‌توان مشاهده کرد؛ مثلاً آنجا که عبارت «خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده» با حدیث «نحمده علی عظیم احسانه و نیر برهانه و نوامی فضله» (خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه/ و خداوند را برای احسان چشم‌گیرش، برهان واضحش و وفور فضل و کرم او می‌ستاییم) دارای مفهوم و مضمون

یکسانی است.

از نظرگاه سعدی در کتاب ارزشمند گلستان، خداوند ضامن رزق و روزی انسان‌هاست و هیچ‌گاه رزق بندگان خویش را (وظیفه روزی) به خطای منکر نبرد. امام علی (ع) در حدیث کوتاه «قد تکفل لکم بالرزق» در خطبه ۱۱۴ نهج البلاغه (خداوند رزق و روزی‌تان را تضمین کرد) این موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد.

سعدی در گلستان، سنایی در حدیقه الحقیقه (بیت ۴ ستایش) و امام علی (ع) در کتاب شریف نهج البلاغه، معتقدند که خداوند قابل توصیف نیست و این وصف‌ناپذیری را

می‌توانیم در بیت

گر کسی وصف او ز من پرسد

بی دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

و حدیث «کیف یصف الیه من یعجز عن صفة مخلوق مثله» (خطبه ۱۱۲ نهج البلاغه/ چگونه می‌تواند پروردگار را توصیف کند، کسی که از توصیف مخلوقی همانند خود عاجز است) و بسیاری از احادیث دیگر دریابیم.

عشق و ارادت به پیامبر اکرم (ص) در ادبیات فارسی ما سابقه‌ای بسیار دیرین دارد و جلوه‌های چنین عشقی در ادبیات دیگر ملل نسبت به پیشوایانشان کمتر دیده می‌شود.

عشق و ارادت سعدی به پیامبر اعظم (ص) هم در گلستان و هم در بوستان آشکار و نمایان است. از دیگر سو، امام علی (ع) به عنوان وصی و خلیفه و جانشین راستین پیامبر اعظم (ص) و پرورش‌یافته دامان و مکتب ایشان، عشق و محبتی خاص به

پیامبر رحمت (ص) دارد. بیت

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو
پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح
کشتیبان؟

با بسیاری از احادیث نهج البلاغه مانند «ان الله بعث رسولا هادیا کتاب ناطق و امر قائم» (خطبه ۱۶۹ نهج البلاغه/ همانا خداوند، پیامبری را با کتابی گوینده و امری استوار فرستاد تا راه نجات را نشان دهد) همسویی و همراهی دارد.

در شعرخوانی صفحه ۲۲ با عنوان «در مکتب حقایق» به شعر زیبایی از رند فرزانه

شیراز برمی خوریم. حافظ از همه علوم قرآنی اعم از تفسیر، قرائت، کلام، فلسفه، عرفان و ... بهره داشته و در آگاهی از زیر و بم الفاظ و معانی و مفاهیم از آن الهام گرفته است. ضمن اینکه به احادیث پیامبر اکرم (ص) و معصومین - علیهم السلام - نیز نگاهی داشته است. او غزل فارسی را به اوج عشق و عرفان رساند. راهی که حافظ برگزیده، تلفیقی از عشق و عرفان است و به شیوه‌ای دست یافته که تا عصر او سابقه نداشته و اگر هم داشته، به این زیبایی و پختگی و کمال نبوده است. در بسیاری از اشعار او می‌توان فضایل و زیبایی‌ها و برجستگی‌های اخلاقی بسیاری را یافت. دعوت به خوار شمردن نفس و توجه به عشق الهی را می‌توان از بیت

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی

حافظ و حدیث «طوبی لمن ذل فی نفسه... و صلحت سریره» (حکمت ۱۲۳ نهج البلاغه/ خوشا به حال کسی که در پیشبرد نفس، خود را کوچک شمارد و به اصلاح ذات و باطن خویش بپردازد) امام علی (ع) مشاهده نمود.

از دیدگاه حافظ، راهیابی به کمال عشق و پی بردن به اسرار الهی از طریق پشت پا زدن به تعلقات و تعینات دنیوی میسر است و این همان مفهومی است که از مطالعه بیت

از پای تا سرت همه نور خدا شود
در راه ذوالجلال چو بی‌پا و سر شوی

و حدیث «ان الایمان یبدو لمظة فی القلب» (حکمت ۲۵۹ نهج البلاغه/ همانا ایمان، به صورت نقطه درخشانی در صفحه قلب آدمی پدیدار می‌شود و آن نقطه نورانی گسترش می‌یابد.) از امام علی (ع) حاصل می‌گردد.

نیز بیت

با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است
ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

اثر فرخی یزدی در بیان جایگاه قناعت‌مندی و قناعت‌ورزی و بی‌توجهی به مال و ثروت غیر مشروع با حدیث «لا کنز اغنی من القناعة» (حکمت ۳۷۱ نهج البلاغه/ گنجی بی‌نیاز‌آورتر از قناعت نیست) یا حدیث «مَعَ القناعة تَمَلُّ القلوب و العیون غنی» (حکمت

۲۱۴ نهج البلاغه/ قناعت‌ورزی و بی‌نیازی دل‌ها و چشم‌ها را بر می‌کند در یک راستای مفهومی قرار دارد.)

در صفحه ۲۸ و در بخش قلمرو زبانی، این بیت وحشی بافقی، شاعر پرسوز و گداز همت اگر سلسله جنبان شود
مور تواند که سلیمان شود

با حدیث «قدر الرجل علی قدر همته» (حکمت ۴۷ نهج البلاغه/ قیمت و ارزش آدمی، به قدر همت اوست) امام علی که در هر دو همت والا و تلاش مضاعف را مورد توجه قرار می‌دهند، بر یک مفهوم مشترک دلالت دارند.

در صفحه ۳۱ کتاب، بخش گنج حکمت با عنوان «خاکریز» و نیز در بند پایانی، اهمیت و جایگاه تدبیر و نتایج حاصل از آن بیان شده است. آن روز با تدبیر حساب‌شده شهید ساجدی رزمندگان توانستند در برابر نیروهای دشمن مقاومت کنند و به پیروزی برسند. امام علی (ع) نیز در حدیث «لا عقل کالتدبیر» (حکمت ۱۱۳ نهج البلاغه/ هیچ خردمندی به سان عاقبت‌اندیشی نیست) جایگاه و ارزش والای تدبیر و درایت را بیان کرده‌اند که به حصول موفقیت و پیروزی منجر می‌شود.

در درس پنجم و در بخش قلمرو زبانی، بین بیت

سریر ملک عطا داد، کردگار تو را
به جای خویش دهد هر چه کردگار دهد

ظہیر فاریابی، شاعر قرن ششم و مدفون در مقبره الشعرا تبریز، در بیان نظام احسن و جایگاه وجودی هر پدیده با حدیث «قدر ما خلق فاحکم تقدیره و دبره فالطف تدبیره» (خطبه ۹۱ نهج البلاغه/ هر یک از مخلوقات را در خور شأن و لیاقتشان با تقدیری حکیمانه آفرید و با توجه به جایگاه وجودی‌شان در نظام احسن، مورد توجه خویش قرار داد) از لحاظ مفهومی و مضمونی قرابت و نزدیکی دارد،

نیز در همین صفحه، بیت زیر از محمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار، شاعر دلدادۀ اهل بیت، خاصه حضرت امیرالمؤمنین

دردناک است که در دام شغال افتد شیر
یا که محتاج فرومایه شود مرد کریم

با حدیث «احذروا صولة الکریم اذا جاع و اللئیم اذا شبع» (حکمت ۴۹ نهج البلاغه/ از صولت هیبت و حالت تهاجم انسان کریم و جوانمرد، آن‌گاه که احساس کمبود و گرسنگی کند، برحذر باشید و نیز از صولت انسان فرومایه، آن‌گاه که احساس بی‌نیازی کند) مفهوم و مضمونی مشترک دارد

در درس ششم و در صفحه ۴۸، بیت

چه نیکو گفت با جمشید، دستور
که با نادان نه شیون باد و نه سور

فخرالدین اسعدگرگانی در مذمت و نکوهش انسان نادان و جاهل با حدیث «قَطِيعَةُ الْجَاهِلِ تَعْدِلُ حِيلَةَ الْعَاقِلِ» (نامه ۳۱ نهج البلاغه/ جدایی از آدم نادان همان پیوستن به آدم عاقل و داناست) قرابت مفهومی دارد.

درس هفتم کتاب، شامل نثری عارفانه از نوشته‌های عین‌القضاة همدانی است که سبک نویسندگی وی ساده و روان و سرشار از آیات و احادیث و اشعار پارسی و تازی است. در این درس و در صفحه ۵۲ در بند سوم آمده است: «پس اول پایه معرفت است»؛ این عبارت عین‌القضاة و این جمله کوتاه امیرمؤمنان: «اول الدین معرفت» (خطبه ۱ نهج البلاغه/ سرآغاز دین معرفت است) از لحاظ مفهومی در یک ردیف قرار می‌گیرند

در درس نهم با عنوان کویر، که برگرفته از کتاب «کویر» اثر علی شریعتی است، غربت و تنهایی امام مظلوم در صفحه ۷۳ کتاب (ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم، ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست، چه فاجعه‌ای است در آن لحظه که یک مرد می‌گرید) با این شکواییه امام علی (ع) «ان کانت الرعايا قبلی لتشکوا حیف رعائها و اننی الیوم لاشکوا حیف رعیتی» (حکمت ۲۶۱ نهج البلاغه/ اگر رعایا و مردم گذشته از دست پیشوایان خود، زبان به شکایت می‌گشودند، امروز من از دست رعیت و مردم تحت امر خود شکایت دارم) پیوند می‌یابد.

در بخش گنج حکمت و با موضوع «تیرانا» در صفحه ۸۷ جمله «از طبیعت آموختم که

همانند درختان بارور بی آنکه زبان به کمتر داعیه‌های گشاده باشم، سراسر کرامت باشم و سراپا گشاده‌دستی، بی هیچ چشم‌داشتی به سپاس‌گزاری یا آفرین» در مذمت و نکوهش ردیلت پست منت نهادن بر سر دیگران در قبال انجام دادن کاری، با حدیث «و ایاک و المن... فان المن یبطل الاحسان» (نامه ۳۱ نهج‌البلاغه/ از منت [نهادن] بر دیگران بپرهیز؛ زیرا که منت نهادن باعث از بین رفتن نیکوکاری می‌گردد) امام علی (ع) به یک مفهوم مشترک اطلاق می‌گردد. نیز در همین صفحه، جمله «... هرگز فریب آزاده مردم را از خویشتن بتی نسازم» در نکوهش غرورورزی با حدیث کوتاه «ضِعْ فخرک و احطط کبرک» (حکمت ۳۹۸ نهج‌البلاغه/ فخروروشی را ترک کن و تکبرورزی را کنار بگذار) دارای مفهوم و مضمون مشترک است. در شعر خوانی صفحه ۹۶ با عنوان «شکوه چشمان تو» در توصیف شهادت مظلومانه شهید مدافع حرم، بیت

حُسن شهادت از همه حُسنی فراتر است
ای محسن شهید من، ای حُسن بی‌گناه

در توصیف شهادت مظلومانه محسن حججی، شهید مدافع حرم، با حدیث «ان اکرم الموت القتل و الذی نفس ابن ابی طالب بیده لألف ضربة بالسيف اهون علی من میتة علی الفرائش فی غیر طاعة الله» (خطبه ۱۲۳ نهج‌البلاغه/ بدون تردید، گرمای‌ترین مردن شهادت در راه خداست؛ سوگند به آن کسی که جان پسر ابی‌طالب در دست اوست، تحمل هزار ضربت شمشیر آسان‌تر است برایم، از مرگ در رختخواب به دور از اطاعت خدا) از امام علی (ع) قرابت و نزدیکی معنایی دارد.

در گنج حکمت و در صفحه ۱۰۸ با عنوان «به جوانمردی کوش» که از کتاب بیش بهای گلستان سعدی انتخاب شده است، جمله «پادشاه را کرم باید تا بر او گرد آیند» با حدیث «و اصفح مع الدولة، تکن لک العاقبه» (نامه ۶۹ نهج‌البلاغه/ در کشورداری با عفو و گذشت و مهربان باش تا آینده از آن تو باشد) شباهت و نزدیکی مفهومی وجود دارد.

در صفحه ۱۲۷ در کارگاه متن پژوهی و در بخش قلمرو فکری، بیت

دل چه بندی در این سرای مجاز؟
همت پست کی رسد به فراز؟
از حکیم سنایی در بیان ناپایداری دنیا و دلبستگی نداشتن به این سرای غیرواقعی، از لحاظ مفهوم و مضمون، با حدیث «الدنيا دار ممر و لا دار مقر» (حکمت ۱۳۳ نهج‌البلاغه/ دنیا محلی برای عبور کردن است و جایگاه اقامت دائمی نیست) قرابت دارد.
و در نهایت، در درس هفدهم و بخش قلمرو فکری صفحه ۱۵۳ بیت

مشو در پیچ و تاب رنج و غم، گم

در گنج حکمت و در صفحه ۸۰۱ با عنوان «به جوانمردی کوش» که از کتاب بیش بهای گلستان سعدی انتخاب شده است، جمله «پادشاه را کرم باید تا بر او گرد آیند» با حدیث «و اصفح مع الدولة، تکن لک العاقبه» (نامه ۹۶ نهج‌البلاغه/ در کشورداری با عفو و گذشت و مهربان باش تا آینده از آن تو باشد) شباهت و نزدیکی مفهومی وجود دارد

به هر حالت تبسم کن، تبسم اثر فریدون مشیری در بیان فضیلت خوش خلقی و شاد بودن با احادیث «لا قرین کحُسن الخلق» حکمت ۱۱۳ نهج‌البلاغه (هیچ هم‌نشینی به سان خوش خلقی نیست) و «المؤمن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه» (حکمت ۳۳۳ نهج‌البلاغه (مؤمن شادی‌اش در سیما و چهره‌اش هویدا و اندوهش در دل پنهان است) از امام علی (ع) مفهوم و مضمون مشترک دارد.

نتیجه

هدف اصلی و نهایی امام علی (ع) از بیان احادیث گران‌قدر نهج‌البلاغه با موضوعات متنوع ساختن انسان ایده‌آل و توصیه‌های اخلاقی آن برای نیل انسان‌ها به سعادت دنیوی و اخروی است. بدون شک، یکی از مناسب‌ترین ابزار انتقال فرهنگ و معارف الهی، اسلامی، دینی و اعتقادی به نسل‌های آینده، کتاب‌های فارسی است که نمایانگر هویت فرهنگی و اعتقادی ما و پیشینه دیرسال ما در فراخنای تاریخ است؛ از این رو با مقایسه تطبیقی متون مندرج در کتاب‌های فارسی با احادیث فارسی و بیان یگانگی موضوعی آن‌ها، موجبات تقویت بنیه ادبی و فرهنگی و اعتقادی آن‌ها فراهم می‌گردد. اگر موضوع شاخه‌ای از ادبیات را شعر

تعلیمی و اخلاقی و دعوت به فضایل و نهی از رذایل بدانیم، نهج‌البلاغه حضرت امیر جمعی از خوبی‌ها و نیکی‌هاست که در قالب الفاظ و درر ناب در راستای ترویج و اشاعه مفاهیم یاد شده و تهییج مخاطبان ارائه شده است؛ حال آنکه پرتوها و تجلیاتی از این فضایل را می‌توان در متون کتاب فارسی ۳ جست‌وجو کرد.

متون کتاب فارسی ۳ در حقیقت پویایی ذهن و اندیشه‌های اسلامی و فرهنگی ایرانی است؛ به‌گونه‌ای که کثرت موضوعات حکمت‌آمیز اعم از بی‌اعتنایی به دنیا، عقل‌گرایی، دانش‌اندوزی، انسان‌مداری و دعوت به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها این موضوع را تأیید می‌کند و این‌ها دقیقاً همان موضوعاتی هستند که علی (ع) در نهج‌البلاغه بیان کرده است.

تعدادی از آثار ادبی را به شاعران و ادیبان اهل سنت نسبت می‌دهند اما تأثیرپذیری آنان از نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که کلام علی (ع) فقط به شیعیان تعلق ندارد بلکه متعلق به جهان اسلام است و رنگ و بوی قومی و مذهبی ندارد.

منابع

۱. گروه مؤلفان. (۱۳۹۷) فارسی ۳ (پایه دوازدهم دوره متوسطه دوم). چاپ اول. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۲. نهج‌البلاغه. (۱۳۸۲) سیدرضی. متن صبحی صالح. تهران: انتشارات پیام اسلام.